

اعتماد به جهان واپسین در ایران پیش از تاریخ (تحلیلی فلسفی بر اساس شواهد باستان‌شناختی)

آتوسا مؤمنی*

دیری نیست که در پی باروری علوم انسانی در میان دیگر علوم، دانش باستان‌شناسی بعنوان شاخه دانشی مادی و معنوی‌گرا از علوم انسانی، سعی دارد بر پایه مستندات ملموس و ناملموس با مطالعه تطوّر تفکر، فرهنگ، سنت و باورها و اعتقادات جوامع در گذشته، به شناخت چگونگی شکلگیری، تداوم و تغییر آنها بپردازد و این فرایند تغییر و تحول را همراه با زایشهای عقلی و منطقی در پیوند با جهان‌بینی انسان، بمثابة گنجینه زنده‌یی که از پیش از تاریخ تا کنون قوام یافته و منتقل شده است، دریابد. مرگ از جمله مسائل به غایت بنیادین با ابعاد حیاتی و هستی‌شناختی در زمینه فرهنگها، جامعه و جهان بشری برای انسان بوده است. از این منظر انسان اساساً هستنده‌یی مرگ‌اندیش است که در جریان تاریخ همواره پیوندش را با این تفکر، محفوظ داشته است. شواهد باستان‌شناسی، ملموسترین میراث مرگ‌اندیشی و مؤید توجه و حساسیت انسان پیرامون مرگ است و خود ریشه در فلسفه تفکر و

۱۶۳

* دانش آموخته دکتری آکادمی علوم تاجیکستان؛ atusa.momeni@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۸/۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۲۷



اندیشه او نسبت به دنیای پس از مرگ دارد. در نوشتار حاضر تلاش شده نسبت به فلسفه مرگ و سرشت مرگانندیش انسان در هزاره دوم و اول قبل از میلاد بر پایه کاوشهای باستان‌شناختی، در گورستان نوبند (که معرف دوره‌ی خاص و منطقه غنی از تاریخ و فرهنگ دیرین‌الموت است)، پرداخته شود و خاصه آداب تدفین و تطور آن به همراه بنیانهای ایدئولوژیکی محاط بر آن، مورد مطالعه قرار گیرد و در این رهیافت بر پایه مطالعات باستان‌شناختی و شواهد مکشوفه از واکاویهای میدانی، موضوع مرگ‌آگاهی انسان و اعتقاداتش به دنیای پس از مرگ بیش از پیش شناخته شود و انتقال بین نسلی آن با همه ابعاد تغییر یافته‌اش، بر پایه رشد عقلی و منطقی به بوته بررسی گذاشته شود.

کلیدواژه‌ها: باستان‌شناختی، مرگ‌آگاهی، عصر آهن، هزاره دوم و اول قبل از میلاد، گورستانهای نظام باغ و نوبند، فلسفه تدفین

* * *

مقدمه

مرگ‌آگاهی و صور مواجهه انسان با پدیده واقعی و تجربی مرگ، به نوعی مبین جهان‌بینی انسان و باور او به جهان دیگر بوده و اعتقاد به مرگ جسمانی یکی از ویژگیهای آن برشمرده میشود؛ همانگونه که تاکنون در میان تمام گروهها و متخصصین علوم انسانی و اجتماعی که توسط جامعه‌شناسان مورد بررسی قرار گرفته‌اند، این مهم بنا به شواهد باستان‌شناختی نیز سبقه‌ی دیرین و قلمرویی وسیع را پیش‌رو مینهد. در این مجال مقصد اصلی، مروری بر اولین بارقه این آگاهی ۱۶۴ نبوده است؛ چرا که این مقوله سزاوار پژوهشی در قالب چندین مجلد است تا فرایند آن همانگونه که از ابتدای رشد مغزی انسان راست قامت، شناخته شده، مورد بررسی قرار گیرد و تطور رفتارهای زیستی و فرهنگی در این میان جستجو گردد. بنابراین در این مجال برآنیم که تلاش سترگ و هم‌آوازی انسان پیش از تاریخ را در مقطعی بسیار مهم از این دوره، در سرزمینی که در تعامل با محیط پیرامون خود

